

## نگاهی تطبیقی به مشرق الانوار میرداماد و مخزن الاسرار نظامی

فرزاد بالو<sup>۱</sup> / مهدی خبازی کناری<sup>۲</sup>

### چکیده

فیلسوفان مسلمان از دیرباز شعر می سروده اند. ابونصر فارابی و ابن سینا از آن جمله اند. امادراین میان، مکتب فلسفی اصفهان جایگاه ممتاز و ویژه دارد. به گونه ای که تقریباً همه ی فیلسوفان بزرگ این مکتب مانند میرداماد، ملاصدرا، شیخ بهایی، میرفندرسکی و... به موازات تفلسف و تاملات عقلانی، به طور جدی به سرایش شعر اهتمام داشته اند. میرداماد که از بزرگان این مکتب محسوب می شود دیوان شعری دارد که شامل مثنوی مشرق الانوار، غزلیات، قصاید و رباعیات است. او "اشراق" تخلص می کرده و مثنوی مشرق الانوار را در جواب و به نوعی شرح مخزن الاسرار نظامی سروده است. اگرچه مخزن الاسرار خود شاهکاری در شیوه ی تحقیق و بنای استواری در زمینه ی شعر تعلیمی به شمار می آید، اما مشرق الانوار میرداماد هم از لحاظ ساختار (چینش موضوعی، موسیقی، ترکیبات زبانی، استعار پردازی ها و...) و هم از لحاظ محتوا (اشارات و اصطلاحات فلسفی و عرفانی و...) ویژگی هایی دارد که در صورت مقایسه ی آن با مخزن الاسرار نظامی، امتیازات زبانی، فکری و ادبی آن آشکار می گردد و در پرتو آن چهره ی ادبی میرداماد به نحو مطلوبی نمایان می شود. مقاله ی حاضر به طرح و شرح این ماجرا خواهد پرداخت.

**واژگان کلیدی:** مشرق الانوار میرداماد، مخزن الاسرار نظامی، ساختار، محتوا، استعارپردازی، اشارات فلسفی و عرفانی

۱- استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه مازندران

۲- استادیار فلسفه جدید و معاصر غرب دانشگاه مازندران